



بررسی «درست و نادرست نویسی» در فرهنگسرای اندیشه

زبان رسانه‌ای؛ نیازمند پیرایش

منوچهر محمدشمیرانی

چنین عنوان کرد: اهل زبان فارسی، ممکن است در املاي کلمه‌ها و استفاده از تعبیرها با مشکل مواجه شوند و به اشتباه بیفتند. ممکن است ندانند که «جامه‌دان» درست است یا «چمدان»؟ «گزاردن» درست است یا «گذاردن»؟ و یا «استعفا کردن» درست است یا «استعفا دادن»؟ یا بسیاری از واژه‌هایی که «گرفته» برداری از زبان‌های بیگانه است مانند «دوش گرفتن». ایشان، یک فهرست الفبایی از این غلط‌های مشهور تهیه کرده و سعی داشته‌اند درست آن را در این کتاب بیاورند.

سه ملاک برای زبان

وی اضافه کرد: در خصوص ملاک‌های درست و نادرست، ایشان عقیده دارند که سه ملاک زبان زنده روزمره، زبان کهن و زبان نوشتاری وجود دارد. البته، ایشان با تحول زبان مخالف نیست و عقیده دارد این تحول‌ها، باید

موضوع «درست و نادرست نویسی» در زبان فارسی، طی نشستی با حضور زبان‌شناسان و صاحب‌نظران زبان فارسی در فرهنگسرای اندیشه، مورد بررسی قرار گرفت.

در این نشست، که ضمن مروری بر پیشینه و روند تحولات و پیرایش، چگونگی معیارها، ملاک‌ها و آثار و نتایج انتخاب زبان معیار مطرح شد «احمد سمیعی گیلانی» عضو فرهنگستان زبان فارسی و «علی‌اشرف صادقی» زبان‌شناس و استاد دانشگاه شرکت داشتند.

در ابتدا، «امیر فویار» کارشناس و مجری برنامه، به بیان و پیشینه بحث درست و نادرست‌نویسی پرداخت و با اشاره به کتاب «غلط‌نویسیم» دکتر ابوالحسن نجفی و استقبال خوانندگان و مطرح شدن آن در محافل ادبی، علت انتشار این کتاب از قول ایشان را

■ **زبان زنده روزمره، زبان کهن و زبان نوشتاری، سه ملاک برای درست و نادرست بودن زبان است.**

■ **دکتر سمیعی: درست و نادرست بودن، در کاربرد زبان است، نه در خود زبان. همه زبان شناسان اتفاق نظر دارند که قواعد زبان باید رعایت شود.**

در چارچوب خاصی باشد و هر نوع آشفتگی را، نمی‌توان به نام تحول، توجیه کرد.

زبان درست و نادرست

در ادامه این نشست، دکتر سمیعی در پاسخ به پرسش نشانه‌های درست و نادرست بودن زبان گفت: زبان، یک صورت دارد و یک ماده؛ صورت زبان، همان قواعد زبان است و طبق این قواعد، نشانه‌هایی که هر زبان از آنها ترکیب می‌شود، در کنار هم قرار می‌گیرند و یا جانشین می‌شوند.

اگر کسی این قواعد را رعایت کند، زبان را درست به کار برده است؛ مانند قواعد بازی فوتبال، که قراردادی است و نمی‌توان گفت که درست است یا نادرست و داور است که حرکت‌های بازیگران را با این قواعد می‌سنجد و در صورت مطابقت یا عدم تطبیق با آن قواعد، درست یا نادرست شمرده می‌شود. وی اضافه کرد: در زبان، درست و نادرست بودن، در کاربرد زبان است، نه در خود زبان؛ همه زبان شناسان، اتفاق نظر دارند که قواعد زبان، باید رعایت شود، اما ممکن است در تشخیص قواعد، اختلاف وجود داشته باشد.

دستیابی به قواعد عمومی در زبان

دکتر علی‌اشرف صادقی نیز در این خصوص اظهار داشت: زمانی که کسی، از قواعد زبان عدول کند غلط پیش می‌آید. ولی باید توجه داشت که این قواعد چیست؟ چه کسی آن را وضع کرده و چند درصد این قواعد، مورد اجرای اهل زبان است؟

وی افزود: این قواعد، همیشه صددرصد نیست و در مقیاس‌های متفاوت به کار می‌رود. به نظر عده‌ای، برخی از قواعد، درست هستند و باید از آنها پیروی کرد. ولی عده‌ای دیگر، این نظر را ندارند. از نظر برخی، تعدادی از جمله‌ها غلط شمرده می‌شود. حال آنکه بعضی دیگر، آنها را درست می‌شمارند. بنابراین، برای دسترسی به قواعدی که عمومیت بیشتری دارند باید تحقیق کرد.

تفاوت در بین گونه‌های زبان؟

دکتر احمد سمیعی در خصوص گونه‌های مختلف زبان نظیر: زبان قدما، زبان متأخرین، زبان نوشتاری و گفتاری و... گفت: گونه‌های زبان و سبک‌های مختلف، یک مسأله ثانوی است و در واقع، کاربردهای مختلف زبان است. بعضی از زبان‌شناسان، ملاک را در استعمال قدما می‌دانند؛ ولی با توجه به تحول زبان، این ملاک صحیحی نمی‌باشد. وی اضافه کرد: برخی، استعمال قدما را تا دوره مغول، درست و معتبر می‌دانند و به دلیل بروز آفت‌هایی در زبان، پس از این دوره را ملاک قرار نمی‌دهند. برای نمونه، زمانی حرف اضافه «اندر» استفاده می‌شود و بعد، منسوخ شده و حرف اضافه «در» به جای آن به کار می‌رود.

در هر دوره‌ای، اهل زبان شَم خاص خود را دارند؛ شَم اهل زبان دوره فردوسی با شَم اهل زبان امروز فرق دارد و این تحول شَم زبانی، چنان پرشتاب است که حتی بین دو نسل، اختلاف دیده می‌شود.

درباره درست و نادرست، «چارلز دیکنز» می‌گوید که بعضی از ساخت‌های زبان را، همه قبول دارند که درست است و بعضی دیگر، صددرصد نادرست می‌دانند. باید از روی ساخت‌هایی که صددرصد درست و یا نادرست است قواعدی را استخراج کنیم و سپس، آن قواعد را بر روی ساخت‌های مورد تردید بررسی کنیم.

تحول دائمی زبان

دکتر صادقی نیز با اشاره به تحول دائمی زبان گفت: زبان، ایستا نیست؛ در آن صورت، می‌بایستی اکنون، به زبان فارسی باستان - که در دوره هخامنشی متداول بود - صحبت می‌کردیم. در حالی که، یک کلمه از آن زبان را نمی‌فهمیم.

وی با اشاره به اینکه امروزه، اگر نویسندگانی بخواهند زبان سعدی را در نوشته‌اش به کاربرد به طور قطع، بخش زیادی از افکار و معانی مورد نظر نویسنده، به خواننده منتقل نمی‌شود اضافه کرد: ما بایستی به زبان

روز، یعنی زبانی که امروزه متداول است صحبت کنیم و بنویسیم. ادیبانی که زبان قدما را، فصیح و روشن می‌دانند توجه نمی‌کنند که زبان شاعران و نویسندگان، زبان پرورده‌ای است که با لغت‌های متناسب و خوش‌آهنگ، آن را آرایش داده‌اند و با رعایت قواعد، نوشته‌اند.

دکتر صادقی، با اشاره به اینکه ادیبان، به زبان گفتاری روزمره نمی‌نوشتند اظهار داشت: پس، زبان ادبی با زبان گفتاری تفاوت دارد. اگر بخواهیم زبان را، مطابق قواعد آن تدوین کنیم یک نوع برخورد است و اگر بخواهیم به دانش‌آموزان و دانشجویان آموزش دهیم که چگونه بنویسند تا نوشته‌شان، روشن و شفاف باشد تا خواننده، بهتر درک کند، باید ملاک‌های دیگری را در نظر گرفت.

لزوم آشنایی با زبان قدما

با توجه به وجود تحول در زبان، دکتر صادقی در خصوص میزان آشنایی با زبان قدما، برای کسانی که در سطوح مختلف، با نوشتن سروکار دارند گفت: یک روزنامه‌نگار، یک مؤلف کتاب‌های درسی و یا یک داستان‌نویس، نیازی به اطلاع از زبان قدما و کاربرد آن در نوشتارهای امروزی ندارد. کاربرد زبان معاصر، که در جامعه مورد استفاده قرار می‌گیرد برای این گروه کفایت می‌کند. اگر چه لازم است این افراد، اصول ساختاری زبان را به خوبی بدانند. البته، اگر کسی با زبان قدما آشنایی داشته باشد، به طور قطع از ثمر قوی‌تری برخوردار خواهد بود و می‌تواند زیباتر بنویسد.

دکتر سمیعی نیز در این خصوص اظهار داشت: متن‌های قدیمی، به دو دسته تقسیم می‌شوند. متن‌های زنده، مانند اشعار حافظ و سعدی، که هنوز جزو ادبیات جاری ما هستند و حتی افراد بی‌سواد نیز، برخی از آنها را بلد هستند. دسته دوم، متن‌های مرده هستند که فقط برای متخصصان و محققان زبان‌شناسی استفاده دارد. به نظر من، برای بیان مطالب عادی، گنجینه لغوی اهل زبان کافی است. ولی برای مطلبی که عمق بیشتری دارد یا تعبیرات پیچیده‌تر و یا واژگان تخصصی لازم دارد، باید بر گنجینه لغتی افزود.

تفاوت زبان نوشتاری و گفتاری

تفاوت بین زبان نوشتار و زبان گفتار، محور دیگری بود که در این نشست، مورد بررسی

قرار گرفت. دکتر صادقی، زبان شناس و استاد دانشگاه در این زمینه اظهار داشت: در همه زبان‌های زنده دنیا، بین زبان نوشتاری و گفتاری تفاوت وجود دارد. در زبان فارسی هم این امر، مشاهده می‌شود. اما این تفاوت، دارای سطوح مختلف است. بین نوشتار و گفتار، از لحاظ آوایی تفاوت چندانی وجود ندارد. ولی در زمینه صرف و نحو و ویژگی‌های دیگر دستوری، تفاوت وجود دارد. در نوشته، باید شکل شسته و رفته را برگزید. چرا که یک نوشته، برای افراد مختلف و زمان‌های متفاوت نوشته می‌شود.

زبان رسانه‌ها، زبان معیار

دکتر صادقی عقیده داشت: در سطح نوشتار، ما دارای زبان معیار هستیم. زبانی که امروز، رسانه‌ها از آن بهره می‌گیرند، زبان معیار است. اگر چه قواعد آن، چنانکه باید و شاید، شناخته شده نیست.

نوشتار، تصویری از گفتار

در این مورد، دکتر سمیعی با توجه به تفاوت بین زبان شکسته و محاوره گفت: با یک قاعده ساده، زبان محاوره را می‌توان به زبان شکسته تبدیل کرد. در ضمن، باید گفت که زبان نوشتاری وجود ندارد. آن چه هست زبان گفتاری است و نوشتار، تصویری است از گفتار.

اختلاف بین ادیبان و زبان‌شناسان

دکتر صادقی با اشاره به وجود اصطلاحات و تعبیرات حرفه‌ای زبان‌شناسان برای بیان مقاصد علمی، در خصوص وجود اختلاف بین زبان‌شناسان و ادیبان گفت: زبان‌شناس، کارش مطالعه زبان است و سعی می‌کند زبان را، آن‌طوری که هست، به صورت عینی و علمی بررسی کند. می‌خواهد قواعد آوایی و ساخت آوایی زبان را بشناسد. اما ادیب، به این مسائل کاری ندارد. او می‌خواهد یک زبان زیبا و شسته و رفته را به کار برد.

دکتر سمیعی نیز اظهار داشت: نمی‌توان بین زبان معمولی و زبان ادبی، مرزی را قائل شد. خیلی از الگوهای ادبی، به صورتی ناآگاهانه وارد زبان جاری می‌شود. مانند جمله‌هایی نظیر: «در آن کار دست داشت» و یا «کمرش زیر بار غم خم شد» که به کنایات مشهور و معروف است. بین زبان ادبی و زبان جاری، یک طیف وجود دارد که گاهی به هم

■ **دکتر صادقی: زبانی که امروز، رسانه‌ها از آن بهره می‌گیرند، زبان معیار است. اگر چه قواعد آن، چنانکه باید و شاید، شناخته شده نیست.**

■ **دکتر سمیعی: زبان نوشتاری وجود ندارد. آن چه هست زبان گفتاری است و نوشتار، تصویری است از گفتار.**

نزدیک و گاهی، از هم دور می‌شود و نمی‌توان گفت که به کاربردن یک لغت خارجی و یا یک تعبیر نامأنوس، گریته‌برداری و عدول از زبان معیار است. همه ما از زبان معیار عدول می‌کنیم.

نیروهای مؤثر در پویایی زبان

دکتر صادقی، دو نیرو را باعث پویایی زبان دانست و گفت: یک نیرو، می‌خواهد هر چه بیشتر بین مخاطبان و گویندگان آن ارتباط برقرار کند. این نیرو، شروع به ایجاد قواعد می‌کند. در کشور ما نیز، کوشش‌هایی در این زمینه به عمل آمده است.

نیروی دیگر، فشاری است که در رویدادهای گوناگون، تعادل زبان را برهم می‌زند و آن را نوسازی می‌کند. برای نمونه، امروز کلمه «مستضعف»، کلمه‌ای شناخته شده است. ولی ۱۷ سال پیش، کمتر کسی از آن اطلاع داشت و یا آن را به کار می‌برد.

وی همچنین معتقد بود مترجمان نااهل و کم‌سواد، که آشنایی زیادی با زبان فارسی ندارند و متن‌های خارجی را برای رسانه‌ها ترجمه می‌کنند، باعث آشفتنگی در زبان فارسی شده‌اند.

وجه مثبت و منفی زبان رسانه‌ای

در این نشست، دکتر سمیعی پیرامون آشفتنگی در زبان فارسی گفت: بهتر است آشفتنگی را، عوارض تحول زبان بدانیم که امری طبیعی و قهری است. ما، عناصری را از زبان‌های دیگر استخراج می‌کنیم و آن را براساس قواعد فارسی، بازسازی و تبدیل می‌کنیم. اما، عارضه‌هایی نیز وجود دارد. ما، امروز زبان رسانه‌ای داریم که با زبان پدر و مادرهای ما تفاوت دارد. این زبان رسانه‌ای، هم وجه مثبت دارد و هم وجه منفی. نقش مثبت آن، گستردگی مخاطب است و در صورت استفاده درست از این زبان، می‌توان زبان صحیح را ترویج داد. اما در وجه منفی، زبان رسانه‌ای به دلیل گستردگی، هنگامی که غلطی را رایج کند، میزان پخش آن در میان مخاطبان

گسترده‌تر است.

رسانه‌های گروهی، به جای تکنیک‌های آموزشی

وی درباره وضعیت آموزش زبان گفت: به دلیل افزایش رشد جمعیت و کمبود مدارس و آموزگاران مجرب، مجبور هستیم کیفیت آموزش را فدای کمیت کنیم. اما رسانه‌های گروهی، مهم‌ترین ابزاری هستند که می‌توان در جبران این کمبود به کار گرفت. ما اگر در تکنیک‌های آموزشی خود نوآوری ایجاد کنیم، می‌توانیم امیدوار باشیم که با استفاده از رسانه‌ها، این عوارض را جبران کنیم.

دکتر سمیعی عضو فرهنگستان زبان فارسی، در زمینه کاربرد زبان و پاسداری از سنت‌ها و دستورهای درست‌نویسی گفت: دو نظر مشخص را استادان و صاحب‌نظران زبان ارائه کرده‌اند. گروهی از استادان ادبیات اعتقاد دارند که زبان - به ویژه در رسانه‌های گروهی - باید پیراسته، بدون غلط و منطبق با دستورها و معیارهای زبان به کار رود.

گروهی دیگر - به ویژه زبان‌شناسان - زبان را پدیده‌ای زنده و تحول‌پذیر می‌شناسند که می‌تواند - و باید - در مسیر زمان و از تحولات جامعه تأثیر پذیرد. از نظر گروه دوم، حتی وارد ساختن برخی واژه‌ها و ترکیب‌های به‌ظاهر نادرست - از نظر گروه اول - نباید موجب نگرانی باشد. آنها می‌گویند که حدود پاسداری از زبان، به دلیل زنده و پویا بودن آن، بسیار محدود است. زیرا به‌هرحال، زبان، راه تکاملی و تطوری خود را خواهد پیمود. □